

شنبه ۲۲ جون ۲۰۱۹

مرجان کمال

اسلام و اقتدار سیاسی  
نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی  
مترجم: فریده نوری  
قسمت چهاردهم

در هوایت بی قرارم روز و شب      سر ز پایت بر ندارم روز و شب  
روز و شب را همچو خود مجنون کنم      روز و شب را کی گذارم روز و شب



شورش هواداران و طرفداران خلافت ترکیه و اتحاد مسلمانان جهان  
(Pan - Islamisme)

در طول سلطنت امیر حبیب الله خان رابطه میان رهبران مذهبی و محاکم یا قضا به طور قابل ملاحظه بهبود یافت.

امیر حبیب الله خان سیاست ادغام نمودن مذهبیهون را که پدرش شروع نموده بود ادامه داد، مگر به سیاست خشونت خاتمه می دهد. امیر حبیب الله خان به اشخاصی که در تبعید به سر می بردند خاتمه داده و طوری که قبلاً ذکر شد ملای هده در موقع برگزاری یک مراسم توسط امیر در ماه

نوامبر سال 1902 میلادی به امیر لقب سراج الملت و دین را می دهد. اما در سال 1907 میلادی امیر به هند سفر می کند و در آن جا به عضویت جنبش (franc - maçonnerie) می پیوندد، که عبارت از یک جنبشی است که اشخاصی را که دارای عین افکار می باشند به هم پیوند می دهد، که این سبب مخالفت مذهبیبون در مقابل وی گردید. مخصوصاً در لغمان، امیر بعد از عودت اش چهار ملا را در لغمان به دار آویخت، به دلیل که آن ها از امیر انتقاد نموده بودند.

در این موقع انگلیس ها یک سیاست نو (عمق ستراتیژیک) (Profondeur stratégique) را انتخاب نمودند که عبارت از نصب نمودن پایگاه ها در قلمرو قبایلی در جنوب در بلوچستان و تا به چترال در شمال، و با دادن پول قابل ملاحظه به قبایل، تا این که به همراهی شان اتحاد نمایند. قبایل در جواب به پایگاه های نظامی شان حمله نمودند و سبب شکل گرفتن یک شورش بسیار عظیم با بسیج نمودن سی و پنج هزار جنگجو شد.

ولایت سرحدی که در شمال غرب در سال های بعدی خلق شد که اداره و سرپرستی آن را یک مامور بلند رتبه تحت فرمان نائب السلطنه یعنی معاون پادشاه (Vice - Roi) می نمود. و همچنان یک سیستم پرداخت پول به صورت منظم برای قبایل روی کار شد. قبایل مخصوصاً مسعودها، وزیر ها و ذکه خیل ها افرادی (Zakka) به صورت منظم حملات پراکنده را به راه می انداختند.

«حملات در سال های 1907 - 1909 میلادی در مناطق تحت تسلط انگلیس ها در ولایات سرحدی شمال غرب هند رهنمایی شد (North West Frontier Province des Indes) که در سال 1909 میلادی تشکیل شد، قرار تعریف مخالفین آن را مناطق قبایلی تحت اداره فدرال و یا (FATAs) (Federally Administred Tribal Areas) می گفتند. اولسن استه.

امیر حبیب الله خان به صورت آشکار از جهاد ضد انگلیس در سرحدات حمایت نمی کند، مگر هیچ نوع تدابیر برای خاتمه دادن اشتراک قبایل افغان، که رهبری آن توسط حضرت صاحب بتخاک که دارای 1500 نفر، و بر علاوه 1500 نفر به سر کردگی صوفی صاحب بتی کوت، و نیز صاحب زاده صاحب موسهی با 1200 نفر، میر صاحب جان پاچا از اسلام پور، ملا صاحب تگاب (حمید الله خان آخندزاده صافی، مشهور به ملا صاحب تگاب و یا پاچا صاحب تگاب که یکی از مریدان ملای هده و بسیار تأثیرگذار در مناطق لغمان و ننگرهار بوده و یک رول کلیدی را در بسیج ساختن 1889 میلادی بازی کرد)، ملا آخند زاده از قره باغ، ملا آخند زاده از دودزی (Doudzai)، ملا قیوم از نازیان و ملا آخند زاده لنگر نیز خاتمه نداد.

(عبدالشکور که زیادت‌تر به حضرت صاحب بتخاک مشهور بود و رشته فامیلی به همراهی شیخ احمد سرهندی (Sirhindi) اصیل بخارا، و حاجی صاحب تورانگزی (Tourangzai) که یکی از مریدان پاینده محمد زیادت‌تر مشهور به استاد صاحب تورانگزی داشت.

حضرت صاحب بتخاک یکی از مریدان بسیار وفادار ملای هده. حاجی فضل واحد از تورانگزی متولد سال 1856 میلادی در قریه تورانگزی در منطقه چهار صده نزدیک پشاور، و یکی از مریدان حضرت صاحب بتخاک و ملا صاحب هده بود، وی ابتکار ساختن یک مسجد و یک هتل را برای مریدان در تورانگزی و همچنان بنیان‌گذاری یک تعداد مدارس در سرحد و مخصوصاً دارالعلوم (Dâr al - 'Ulum) در گدر (Gaddar) به سروبی، (مردان)، و مدرسه غازی در شهیده شاه (در باجور Badjaour)، که این آخری به کمک بیره ملا صاحب) ساخته شد. در سال 1908 میلادی حاجی صاحب به دلیل خطبه‌هایش از طرف انگلیس‌ها دستگیر گردید، و از جمله مریدان بسیار مهم ملا صاحب از هده در قریه جات مناطق پشاور بود).

در بین سال‌های 1917 - 1897 میلادی غازی‌ها و مجاهدین که با هم توسط سخنرانی‌ای جهادی پیوست شده بودند، در مناطق قبایلی سرحد تبارز می‌کنند.

ملا پاینده و علیزی مسعود در سال 1894 میلادی با کمک قبایل بالای کمپ وانه (Wâna) در وزیرستان حمله می‌کنند و بر علاوه سبب برکناری ملک‌هایی که توسط انگلیس‌ها در کدر سیاست حکومت داری غیر مستقیم (indirect rule) در منطقه قبایلی مزد می‌گرفتند، شدند. ملک‌ها برای انگلیس‌ها احوال دادند که مردم مخالف‌شان هستند و برای‌شان توصیه نمودند که باید زمین‌های‌شان را غصب نمایند.

فلهذا ملا پاینده با دادن یک اعلامیه از مسعود‌ها خواست که نباید در هنگام تشیع جنازه ملک‌ها، نماز جنازه آن‌ها را بخوانند. پادچا اسلام پور در کتر، ملا حمزه والله و لعل پیر نیز در سال‌های 1909 - 1908 میلادی در فعالیت آمدند و تمامی علمای ولایات مشرقی (مجموع ولایات ننگرهار، کتر و لغمان فعلی) و مریدان ملای هده به جهاد پیوستند. حضرت صاحب چهارباغ، صوفی صاحب بی‌کیتوت (Baikitut) و آخندزاده صاحب تگاب نیز به آن‌ها پیوستند. یک فتوی در سال 1909 میلادی از ملای هده در لوگر انتشار یافت، که به اساس آن کوهستان ولایات جنوی و به همین ترتیب یک شخصیت برجسته دیگر، آخندزاده صاحب موسهی که پیر امیر حبیب الله خان و برادرش نصرالله خان بود و ملا‌های معترض سرحدات برای رسیدن به اهداف خود در داخل دربار با شخص عنایت الدوله برادر امیر و رئیس ارکان حرب بود، تقویت گردیدند. امیر و

برادرش از جمله اشخاص پرهیزگار و با تقوا بودند و به صورت منظم به زیارت حریم مقدس شبکه نقشبندیه می رفتند. در سال 1913 میلادی گفته می شود که ملا پاینده کمک مالی از امیر حبیب الله خان دریافت نمود و با سردار نصرالله خان همیشه ملاقات می نمود. و همچنان حاجی تورانگری مخفیانه توسط سردار نصر الله خان برای انتقال اسلحه کمک می گردید. در عوض هیچ نوع عملیات بر خلاف دولت افغان صورت نمی گرفت و در اثنای بعضی از اغتشاشات قبایلی، ملا ها مداخله نمودند تا نظم را برقرار نمایند.

(لالا پیر و ملا محمد سید آخندزاده از موسهی، در لوگر، به طرفداری دولت نزد منگل ها و احمدزی ها که داخل اغتشاش شده بودند وساطت می کنند).

سردار نصر الله خان یک مؤمن با تقوا و پرهیزگار بود و همچنان شغل ایشان وکیل تطبیق پرنسیپ های مذهبی در امور سیاست داخلی و سیاست خارجی بود و یک رول بسیار مهم در بسیج شدن رویداد های نو ضد انگلیس ها داشته، و همچنین در بین علما نیز بسیار محبوبیت داشت. و با همکاری مولوی عبدالرازق، ملا باشی مدرسه شاهی، وی با تمام رهبران مذهبی هر دو طرف سرحد در تماس بود، هر دو آن ها حمایت و ضمانت رسانیدن اسلحه از خلیج فارس را در سال 1907 میلادی به طرف هندوستان، بعداً به قندهار به عهده داشتند. و همچنین ملا سید لعل شاه را در خوست مؤظف می سازد تا پشتبانی از جهاد را در بین قبایل منگل، وزیر و مسعود گفت و گو و صحبت نماید و به تشکیل عملیات های تخریبی بپردازد.

ادامه دارد